

درخشش روزنامه قانون در میان آثار و افکار میرزا ملکم خان

دکتر فیاض زاهد*



مقدمه

صرف نظر از این که چه دلسوزی ای می توان درباره شخصیت فردی میرزا ملکم خان و سوابق سیاسی و اداری وی داشت، بی تردید شخصیت اجتماعی او به عنوان یک مصلح و متفکر اجتماعی غیر قابل انکار است. هیچ مورخ و محقق نیست که بخواهد درباره مشروطه ایران دست به غور و تحقیق زند، اما ناچار به پیگیری آراء و نوشته های وی نباشد. او و اندیشه هایش تأثیر غیر قابل انکاری بر تحول و نوزایی سیاسی و اجتماعی ایران در عصر مشروطه گذاشت. موافقان وی در تأثیر ساحرانه اندیشه هایش و مخالفان و منتقدانش در بدعت ها و انحرافات که در جنبش مشروطه ایران گذارده، بسیار راسخ هستند. همین امر نشان گر تأثیر اندیشه ها و آراء او در جریان انقلاب مشروطه است. او این توفیق را داشت که در زمان حیاتش پیروزی انقلاب مشروطه را

* عضو هیأت علمی دانشگاه، روزنامه نگار.

به چشم ببیند، هر چند کهولت سن و خمودی اعضاء اجازه مشارکتی بیشتر به وی نداد.

میرزا ملکم خان در طول حیات خویش آثار مکتوبی از خود به جای گذاشت که هر یک در جای خود موجد آثار فراوانی بر تابعین خود گشت، ولی نشریه «قانون» او در این میان ویژگی برجسته‌تری داشت.

میرزا ملکم خان جدا از فعالیت‌های سیاسی و مکتوب شاید یکی از موثرترین روزنامه‌نگاران تاریخ معاصر است. روزنامه «قانون» وی بی‌تردید از اثربخش‌ترین جراید قاجار و حتی معاصر ایران است. انتشار این روزنامه به آراء و احوال و خلیقات بخش‌های وسیعی از جامعه ایران اثرات مثبت و تأثیرگذاری بر جای نهاد. بی‌شک شناخت تمام ابعاد شخصیت و تأثیر این مصلح عصر مشروطه در این فرصت اندک میسر نیست اما در این مقاله تلاش شده تا به بخشی از تأثیرات ملکم و آرایش بر جنبش مشروطیت ایران به‌صورت گذرا و مجمل پرداخته شود. امید که مقبول افتد.

میرزا ملکم که بود؟

ملکم فرزند میرزا یعقوب اصفهانی در سال ۱۲۴۹ هـ. ق (۱۸۳۲ م) در قصبه ارمنی نشین جلفا کنار زاینده رود به دنیا آمد.

پدرش که با زبان‌های روسی و فرانسه به جهت سفرهایی که به خارج از ایران کرده بود آشنایی داشت، اندکی پیش از تولد ملکم اسلام پذیرفته بود. او فرزند خردسالش را برای تحصیل به اروپا فرستاد و ملکم دوره‌های ابتدایی و متوسطه را در یکی از مدارس مربوط به آرامنه در فرانسه طی کرد. سپس به مدرسه عالی پلی‌تکنیک پاریس رفت. در مدارس پاریس به تحصیل انواع علوم و فنون پرداخت و به دلیل استعداد فراوان در رشته‌های ریاضی، حقوق، ادبیات، و روابط بین‌الملل به کسب نمرات بسیار عالی همت گماشت.

وی پس از اتمام تحصیلات در ۱۸ سالگی به ایران بازگشت و در وزارت خارجه با عنوان مترجم شاغل به کار شد و هم‌زمان به تدریس در مدرسه دارالفنون مشغول



• تصویری از میرزا ملکم خان ناظم الدوله در دورانی که پرو و بیایی در دربار داشت

گشت.

وی به دلیل روابط گرم و دوستانه‌ای که با اساتید و دانشجویان دارالفنون برقرار کرد، توانست برای خود محبوبیتی فراوان برپا کند. از طرف دیگر به زودی از سوی مقامات دربار مورد توجه قرار گرفت و راه خود را برای انجام امور اداری و سیاسی در دربار ایران باز کرد.

نخستین آزمایش که از دستگاه تلگراف بین مدرسه دارالفنون و قصر شاهی به عمل آمد به وسیله او انجام گرفت و بدین مناسبت نام ملکم به عنوان نخستین ناقل دستگاه تلگراف از اروپا به ایران در تاریخ ثبت شده است.

ناصرالدین شاه که در این زمان جوان و کم اطلاع بود از آزمایشات فیزیکی و شیمیایی متعدد ملکم به وجد آمده و او را به خود نزدیک کرده بود. ملکم به زودی به عنوان مترجم شاه و صدراعظم به دربار راه یافت و در جریان جنگ ایران و هرات کار ترجمه میان مأموران انگلیس و ایران را به عهده گرفت.

پس از بازگشت به ایران در حدود سال‌های ۱۳۳۸ تا ۱۲۴۰ هـ. ش در حالی که ۲۶ یا ۲۸ سال بیشتر نداشت، اقدام به تأسیس فراموشخانه کرد.

در همین سال‌ها نخستین مکتوبات خود (دفتر تنظیمات، رساله رفیق و وزیر، مجلس تنظیمات و دفتر قانون) را به رشته تحریر درآورد.

ظاهراً نام فراموشخانه را برای لژهای فراماسونری در ایران ملکم با الهام از تاریخ ایران انتخاب کرده است. ناصرالدین شاه و بسیاری از شاهزادگان و درباریان با دستگاه فراموشخانه ملکم ارتباط یافتند، اما از آنجایی که شاه از اساس با شکل‌گیری چنین تشکلهایی مخالف بود و از سوی دیگر در فراموشخانه ملکم همواره از پیشرفت اروپا و عقب‌ماندگی ایران سخن رانده می‌شد، دست آخر او رای به تعطیل شدنش داد.

با تعطیل فراموشخانه ملکم و پدرش به استانبول تبعید شدند. و تا سال ۱۲۵۰ هـ. ش (۳۸ سالگی) در تبعید ماند و برخی از آثار خود نظیر رساله دستگاه دیوان و گفتار در رفع ظلم را در این دوره تدوین کرد. با سپری شدن این دوره و با تلاش میرزا حسین خان سپهسالار از تبعید بازگشت و به سمت مشاور صدراعظم منصوب شد. در سال ۱۲۵۲ هـ. ش در ۴۰ سالگی به سمت وزیر مختاری ایران در لندن منصوب شد و در همین سال

کتابی در احوال و اقوال پیامبر اسلام (ص) منتشر کرد. در این موقع است که ملکم نقشه ایجاد مجلس دارالشورای ملی را به صورت "مجلس تنظیمات حسنه" از تصویب صدر اعظم و شاه گذرانید اما به سبب تهی دستی خزانه دولت و شاه به مرحله عمل نرسید. سپهسالار چون قصد داشت شاه را به اروپا برده تا عمق تفاوت و عقب ماندگی ایران را به او نشان دهد، شاید در دماغ شاه تأثیر گذارده و تن به اصلاحات دهد، میرزا ملکم خان را با لقب ناظم الملک به سمت وزیر مختاری لندن منصوب کرد و از پیش به اروپا فرستاد تا مقدمات پذیرایی از شاه را در ممالک سر راه خود فراهم آورد.

در سال ۱۲۵۶ هـ. ش سرپرستی مذاکرات هیأت ایرانی در برلن را برای بازگشت ناحیه قطور که به اشغال عثمانیان در آمده بود بر عهده گرفت و این مذاکرات را با موفقیت اداره کرد که به پاس این تلاش پس از بازگشت به ایران ملقب به "ناظم الدوله" شد.

در سال ۱۲۹۵ هـ. ق که ناصرالدین شاه برای بار دوم عازم سفر فرنگ شد این بار ملکم در سمت سفیر مختار ایران در لندن نتوانست دولت انگلیس را حاضر به دعوت رسمی از شاه ایران کند. این موضوع باعث آزرده گی خاطر شاه قاجار از ملکم شد. لیکن میرزا ملکم خان به واسطه هوش و زیرکی ذاتی خود موفق شد اسباب نزدیکی بیسمارک صدراعظم مشهور آلمان به شاه را ترتیب دهد.

این رویداد سبب شد که ملکم از سوی شاه ارتقاء یافته و به مقام سفارت کبری و عنوان "جناب اشرف" مفتخر گردد. ملکم بعدها خود را "پرنس رفرماتور" یا شاهزاده مصلح خواند و شاه نیز مخالفتی با این لقب نکرد.

ظاهراً دو اتفاق سبب پایان یافتن کار ملکم خان در دربار ایران شد. یکی خاطرات تلخی که ناصرالدین شاه در واگذاری امتیاز بانک و راه آهن به بارون ژولیوس دو رویتز داشت و دیگری ماجرای لاتاری.

ماجرای لاتاری به هنگامی باز می گشت که شاه در انگلستان بود و ملکم از او امتیاز کار لاتاری را کسب نمود. از قرار معلوم امین السلطان که در این زمان همراه با شاه بود انتظار دریافت تقدیمی از ملکم به سبب تحصیل این امتیاز داشت و چون این امر تحقق نیافت. وقتی به ایران رسید فتوایی از علما و فقها دایر بر حرمت عمل لاتار و قمار بودن آن شکل گرفت. از سوی دربار تهران این فتوا به صورت فرمان به لندن تلگراف شد، اما

ملکم یا قبل از تلگراف و یا خودسرانه پس از تلگراف سند امتیاز خود را به چهل هزار لیره با یک شرکت انگلیسی معامله کرد و سپس اظهار تأسف خود را به تهران تلگراف داشت.

ماجرای لاتاری سرانجام به دادگاهی در لندن کشیده شد، گرچه دادگاه خریدار را صاحب حق ندانست اما باعث بی‌آبرویی و رسوایی ملکم در ایران و انگلیس شد. ملکم برای جبران حیثیت و آبرویی که در طی سال‌ها در ایران و اروپا اندوخته بود و همچنین رهایی از شکست روحی بزرگی که دیده بود، دست به انتشار روزنامه قانون زد.

نوک تیز حملات و انتقادات ملکم در قانون به سوی امین‌السلطان نشانه می‌رفت، سید جمال‌الدین اسدآبادی نیز در هنگام اقامت در لندن یک چند در قانون مطلب می‌نگاشت. او آنگاه پس از ترور ناصرالدین شاه به دست میرزا رضای کرمانی، رساله اشتهاارنامه اولیای آدمیت را نوشت و با جانشین شاه مقتول یعنی مظفرالدین شاه از در دوستی در آمد.

در این زمان امین‌الدوله بر جای اتابک بر صدارت عظمی تکیه زد. میرزا ملکم خان از پیش سوابق ملازمت مناسبی با امین‌الدوله داشت. بنابراین از سوی صدراعظم به وزیر مختاری ایران در رم منصوب شد و تا سال ۱۲۸۷ هـ. ش که به سن ۷۵ سالگی رسیده بود، در این سمت باقی ماند.

وی در سال ۱۳۲۶ هـ. ق در رم پایتخت ایتالیا پس از آن‌که وصیت نمود که "مرا به حسب آیین مسلمانان کفن و دفن کنید به دورود زندگانی گفت و از این دار فانی بدار باقی شتافت رحمه‌الله علیه".

آثار ملکم خان

ملکم خان از خود آثار مکتوب فراوانی بر جای گذاشت که عبارتند از: کتابچه غیبی، رفیق و وزیر، دستگاه دیوان، انتظام لشکر و مجلس تنظیمات، دفتر قانون، منافع آزادی، کلمات متخیله، حریت، اشتهاار نامه اولیای آدمیت، راجع به استقراض آزادی، ندای عدالت، رساله غیبیه و روزنامه قانون.

در آثار باقی‌مانده از میرزا ملکم خان که در دوره‌های مختلف زندگی و به منظور و نیت مختلف به رشته تحریر در آمده است، نکات مشترک زیاد است. نظر نگارنده

این است که ببینید من حیث المجموع افکار ملکم در چه قالبی قرار می‌گیرد و در واقع ساختمان و نحوه پیش و دیدگاه فکری او را چگونه می‌توان ترسیم کرد. در آثار ملکم اعم از رسالات و مقالات و نامه‌ها، از جمله اموری که به چشم می‌خورد، اعتقاد بر عقب افتادگی ایران است. او به نحوی به این عقب ماندگی‌ها اشاره می‌کند که گویی همین اشاره به تنهایی برای توجیه تمام افکار او کافی است. نه فقط پیشنهاد‌های اصلی او با یادآوری این مطلب آغاز می‌شود، بلکه او خواست‌های شخصی و انتقاعی خود را نیز در زیر همین سرپوش عنوان می‌کند. ملکم وزرای ایران را مخاطب قرار می‌دهد: "آن وقتی که شما در آسیا به طور دلخواه سلطنت می‌کردید، کسی دویست فرسخ راه را در ده ساعت طی نمی‌کرد. آن وقتی که انتظام دولت را به و قربی معنی می‌دانستند، گذشته است. حالا در سه هزار فرسخی ایران قلعه آهنی می‌سازند و می‌آیند محمره را در دو ساعت منهدم می‌کنند. حالا در مقابل اقتدار دول همجوار نه الفاظ عربی به کار می‌آید نه استخوان‌های اجدادی".

به نظر ملکم ادامه چنین وضعی عملاً مقدر نیست و این موضوع، خاصه درباره کشوری چون ایران که "در تلاطم این دو سیل قدرت انسانی" یعنی روس و انگلیس افتاده است، بیشتر صدق می‌کند. او می‌نویسد: دولت ایران مثل گندمی است که میان دو سنگ آسیا افتاده باشد. الان سنگ‌های مزبور حرکت ندارند، اما هرگاه خارج آسیا را ملاحظه بکنیم وحشت خواهیم کرد که گردش چه قدر نزدیک است". تقریباً در تمام رساله‌ها اشاره بدین موضوع شده است که "عقل طبیعی بدون امداد علم کسبی چه قدر عاجز است"

"روسای ما فرق عقل و علم را نفهمیده‌اند. به اعتقاد ایشان عقل کافی بالاتر از علوم کسبی است و حال آن که بطلان این اعتقاد را هر طفلی می‌تواند ثابت کند."

تقابلی که میرزا ملکم خان میان عقل و علم برقرار می‌کند در واقع از لحاظ فلسفی به نحوی تقابل قیاس و استقراء و تقابل احتمالی علوم عقلی و علوم تجربی است. این سخنان شباهت بین گفته‌های او و متفکران تحولی و تحصیلی ملک غرب را نشان می‌دهد.

کتابچه غیبی یا دفتر تنظیمات که یکی از قدیمی‌ترین آثار ملکم است، ظاهراً بین سال‌های ۱۲۷۵ و ۱۲۷۶ هـ. ق بعد از مراجعت او از سفر فرنگ به رشته تحریر در آمده

است. ملکم بدون ذکر نام خود این کتابچه را توسط مشیرالدوله میرزا جعفر خان مهندس تبریزی که چند سال در انگلستان تحصیل کرده و در ممالک مختلف اروپایی سفیر ایران بوده است، بدست ناصرالدین شاه رسانده است. در این تاریخ بعد از شکست یونمر و تخلیه هرات شاید وضع روحی ناصرالدین شاه برای آشنایی با محتوای این کتابچه مساعد بوده است یا در هر صورت ملکم ظاهراً چنین تصور می کرده است. کتابچه غیبی مشهورترین و پر سروصداترین نوشته ملکم بوده و در واقع فهرست وار عقاید اصلاحی او را منعکس می کند. این کتابچه به نحوی که امروز می توان بدان دسترسی داشت از پنجاه و دو صفحه چاپی تشکیل شده است.

در یک جمع بندی ساده می توان محورهای اساسی آثار ملکم خان و محورهای پردازش شده وی را به شرح زیر خلاصه سازی و معرفی کرد.

۱- انتقاد از اوضاع جاری ۲- موانع معرفتی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی عقب ماندگی ایرانیان ۳- ضرورت اصلاح ساختار حکومت ۴- توسعه همه جانبه و زیربنایی و روبنایی کشور ۵- علم موتور محرکه همه تحولات جوامع ۶- ترقی و پیشرفت نیاز بدیهی ایران امروز.

محیط طباطبایی در مجموعه آثار ملکم خان مجموعه آثار منتسب به ملکم خان را جمع آوری و انتشار داده است. مهمترین رسالات و محورهایی که ملکم بدانها توجه کرده عبارتند از:

۱- کتابچه غیبی یا دفتر تنظیمات:

این رساله قدیمی ترین اثری است که از ملکم باقی مانده و سیاق مطلب و اشاره به قرائن و اوضاع و احوال نشان می دهد که باید آن را پس از مراجعت از سفر فرنگ در فاصله سالهای ۱۲۷۵ و ۱۲۷۶ نوشته باشد.

۲- رفیق و وزیر

این مباحثه و سوال و جواب را ملکم برای توضیح مطالب کتابچه غیبی تحت عنوان رفیق و وزیر نگاشته تا کمکی به سهولت فهم مطالب آن کند.

۳- دستگاه دیوان:

این رساله در غالب مجموعه ها بدون اسم نقل شده و تنها در مجموعه کتابخانه ملی

ملک آن را بدین نام خوانده است.

۴- انتظام لشکر و مجلس تنظیمات:

اسم دیگر اثر تنظیم لشکر و مجلس اداره می‌باشد. رساله‌ای در توضیح و تکمیل مطالبی است که در کتابچه غیبی طرح شده و در کتابچه‌های "رفیق و وزیر" و "دستگاه دیوان" تبیین و تفسیر یافته است.

۵- دفتر قانون:

این رساله را با وجودی که ناشر کلیات ملکم به اهمیت انتشار آن در آغاز تأسیس مجلس شورا و وضع قوانین ضروری پی نبرده و از نظر دور داشته است، اتفاقاً در همان اوان مورد توجه کلیه کسانی قرار گرفته که در مصنوع قوانین جزایی مطالعاتی می‌کرده‌اند.

۶- نون و یقظه

۷- منافع آزادی:

شرحی است که ملکم خان از نوشته‌های استوارت میل نویسنده انگلیسی و شاید کتاب آزادی او ترجمه و اقتباس کرده باشد.

۸- کلمات متخيله:

چند سطری است راجع به ظلم و ظالم و مظلوم که با وجود اختصار و ایجاز، بیان آن در روزگاری که مردم از بیم ظلم پادشاه وقت راه غربت می‌گرفته‌اند، عملی تنها معقول بوده است.

۹- حریت:

قطعه‌ای است که از گفتار میرابو ترجمه شده و از این دو مجموعه اخیرالذکر نقل گردید.

۱۰- اشتهار نامه اولیای آدمیت:

اشتهار نامه عصر ناصری و به تعبیر امروز بخشنامه است. این مقاله را تحت همین عنوان پس از کشته شدن ناصرالدین شاه و جلوس مظفرالدین شاه برای رفع سوء تفاهماتی که بین او و دربار پادشاهی وجود داشت، نوشت و در لندن به چاپ رساند و به ایران فرستاد.

۱۱- راجع به استقراض خارجی:

این عنوان را ما از مدلول و محتوای نامه‌ای که میرزا ملکم خان در آخرین سال از عمر خویش به وزارت خارجه ایران نوشته و بر موضوع قرض گرفتن از دولت‌های خارجی اعتراض کرده است، استخراج نمودیم.

۱۲- تداعی عدالت:

در سال ۱۳۲۳ هـ. ق که مظفرالدین شاه برای مرتبه سوم آخرین سیر و سیاحت را در فرنگستان می‌کرد و ملکم خان نیز به سمت وزیر مختاری ایتالیا با شاه در برخی گردش‌ها همراه می‌بود به جهتی که به صلاح و سعادت راهنمایی اوضاع باشد تحریر و تقدیم کرده است.

در همان سال ۱۳۲۳ روزنامه حبل‌المتین کلکته نسخه‌ای از آن را به دست آورده و بدون ذکر نام نویسنده انتشار داد.

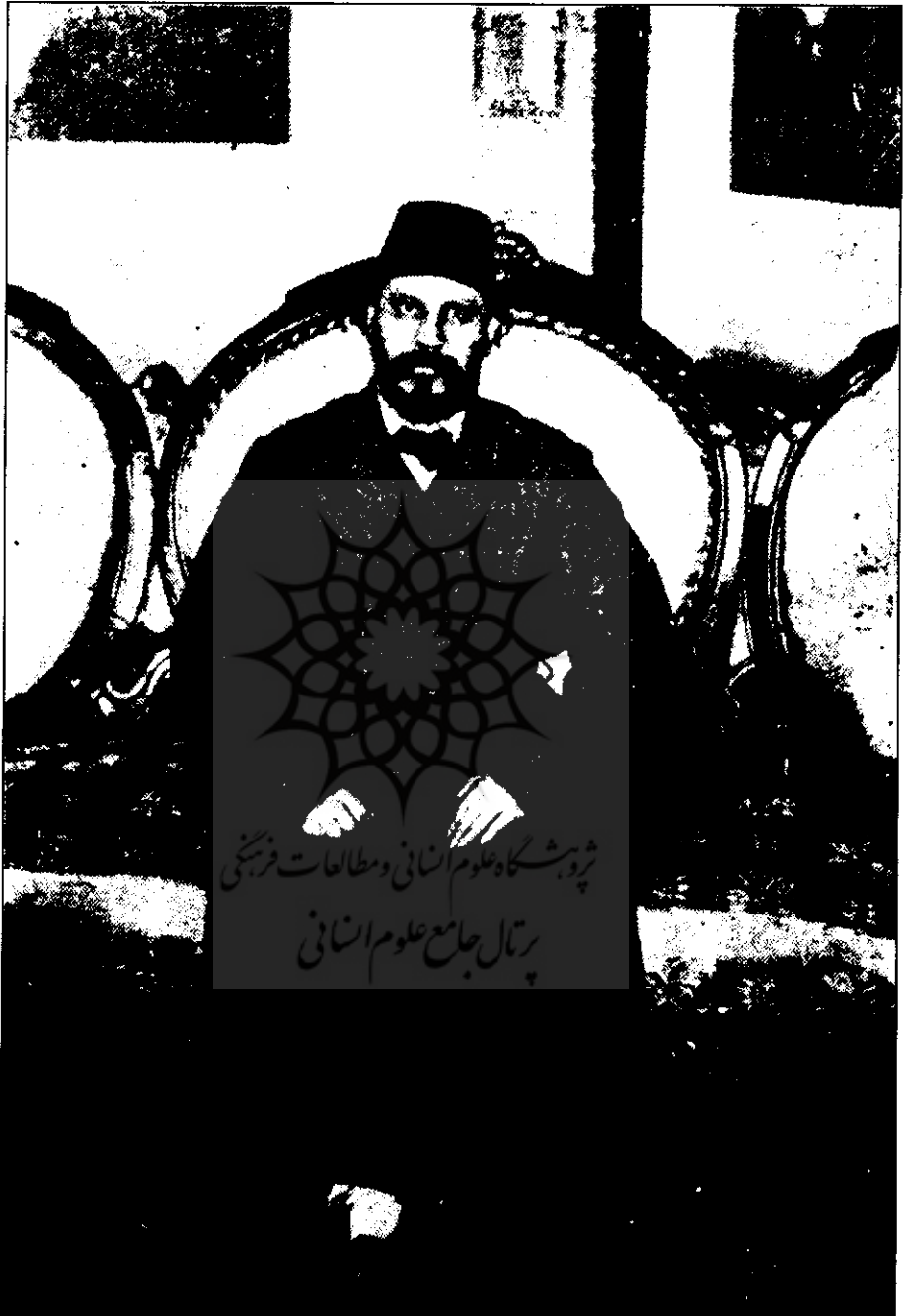
۱۳- رساله غیبیه:

پس از انتشار به نام ملکم خان وی به ناشر اعتراض و انتساب این جزوه به خود را منکر شد. اما احتمالاً یکی از شاگردانش آن را به اسلوب ملکم نوشته است. البته او آثار دیگری از جمله: وصیت‌نامه فوآد پاشا، تسخیر ترکمان، سیاست‌های دولتی، آثار اقتصادی از جمله حرف غریب، تأسیس بانک، صورت مذاکرات مجلس شورای ملی دولتی در باب بانک و آثار انتقادی از جمله: مسائل عامه، چهار چشمان، مرآت البهلاء - اصول مذهب دیوانیان - و سؤال و جواب دولتی اشاره داشت.

نگاهی گذرا بر وضعیت و جایگاه روزنامه قانون

هر چند ملکم در طول دوران حیات خود موجد آثار فراوانی گشته بدون تردید مهمترین یادگاری که از وی به جا مانده است روزنامه "قانون" است.

این روزنامه که پس از به خوردن مناسبات و روابط حسنه ملکم خان با ناصرالدین شاه و دربار قاجار در لندن منتشر شد، موجد آثار بسیار پربرکتی در تحولات تاریخ معاصر خاصه انقلاب مشروطیت ایران شده روزنامه قانون در مدت چهار سال جمعاً چهل و یک شماره منتشر شد، در این مجموعه جرایدی که از ملکم به یادگار ماند هر چند شخص شاه هدف قرار می‌گیرد، اما بیشترین حملات به اتابک "امین السلطان" صورت می‌پذیرد.



درخشش روزنامه قانون در میان آثار و افکار میرزا ملکم خان
۱۱۱

• عکسی نایاب و دیدنی از سید جمال‌الدین افغانی دوست و همکار نزدیک ملکم خان در برخی شماره‌های روزنامه قانون

شماره اول روزنامه قانون در "غره رجب ۱۳۰۷ برابر با ۲۰ فوریه ۱۸۹۰ انتشار یافت و تنها شماره‌ایست که ۸ ورق دارد و باقی همه چهار ورقی هستند." بنا بر بررسی هما ناطق تنها چهل و یک شماره از روزنامه مذکور به همت ادوارد براون در دانشگاه کمبریج انتشار یافته است.

جالب آن است که همکاران و تیم تحریریه قانون عمدتاً پیش از آن در اختر همکاری می‌کرده و یا آن‌گاه که سید جمال‌الدین اسدآبادی تصمیم به انتشار عروه الوثقی گرفت، با او مساعدت کردند. هما ناطق نام مسئول انتشارات و بخش فنی قانون را "ضیاء‌الخاقین" نامیده است. هر چند روزنامه قانون خود موجد سبک جدیدی در تاریخ جرایم ایران است و بر افکار بسیاری از ملیون و مشروطه خواهان تأثیر گذارده خود تحت تأثیر مکتب فکری اختر بوده است.

ملکم خود قصد و هدف خویش را از انتشار روزنامه قانون در نامه‌ای به سفیر عثمانی در ایران بیان می‌کند: "زبده اصول فکری که من می‌خواهم به تدریج به وسیله یک روزنامه مردی که در تمام ایران پخش می‌شود بیان کنم، اصولی است بر پایه اسلام و مغایرتی با علم و اخلاق ندارد. هم چنین ادعای برابری با عقاید لیبرالیسم غربی نیز نمی‌کند. بلکه فقط طالب حق است. به عنوان هدف فوری، هدف من بیش از این نیست که دولت به ما قانونی بدهد، کدام قانون؟ همان قانونی که خود شاه خواهان آن است، قانونی که حداقل تأمین جانی و مالی ما را تأمین کند."

حکم بی‌قانونی، برخوردهای سلیقه‌ای و نشناختن حقوق متقابل حکومت و مردم را نیز به عنوان یکی از عوامل اصلی ظلم و فساد در جامعه ایران می‌داند.

مخاطب قانون همه طبقات اجتماعی بودند و سبک آن ساده، روشن و گیرا می‌باشد. دایره مطالب قانون نسبتاً محدود است و از سه موضوع اصلی بحث می‌کند: انتقاد از حکومت مطلقه، لزوم اصلاح حکمرانی و ایجاد عدالت قانونی، تعلیمات حزبی و دعوت مردم به ایجاد اتفاق و قانون طلبی.

گذشته از موضوعات یاد شده توجه به حقوق اجتماعی زنان از مترقی‌ترین جنبه‌های قانون به شمار می‌رود. احراز آزادی و مساوات حقوق اجتماعی زنان سخن به میان می‌آورد و معتقد بود "زن‌های ایران باید ملانکه ترویج آدمیت باشند."

اما باید این نکته را به خاطر داشت که در تألیف و چاپ روزنامه قانون، ملکم تنها نبود. بلکه قانون منعکس کننده افکار و اندیشه‌های جاری زمان وی بود. از مهم‌ترین همکاران ملکم در این روزنامه می‌توان نخست از سید جمال‌الدین اسدآبادی نام برد که در سفر دوم خود به اروپا، در خانه میرزا ملکم خان و به عنوان میهمان او به سر می‌برد و ملکم ورود او به لندن را در شماره ۱۸ قانون اطلاع داده است.

هر چند سید جمال سلسله مقالاتی را در قانون به چاپ رسانده، اما نباید تعداد آن‌ها زیاد بوده باشد. اما این یک حقیقت آشکار است که ملکم و سید جمال و دیگر همفکران آن‌ها در قانون کاری کردند که تا آن زمان بی‌نظیر بوده است. چه پیش و چه بعد از قانون جراید دیگری نیز منتشر می‌شده است، اما هیچ‌کدام منزلت و جایگاه روزنامه قانون را پیدا نکردند. بدون تردید جرایدی چون صوراسرافیل، جبل‌المتین، طهران، ترقی، تمدن و معارف مستقیم و غیرمستقیم تحت نفوذ اسلوب و تکنیک قانون قرار داشتند. هر شماره از قانون که به طرق مختلف وارد ایران می‌شد، موجب آثار فراوان و نگرانی‌های عدیده درون دربار قاجار می‌شد. این درست است که ملکم بیشتر دوران عمر خود را در اروپا گذرانده و سمت‌های بی‌شمار دیپلماتیک از سوی دربار ایران را عهده‌دار بود، اما همین اقامت‌های طولانی و مسافرت‌های عدیده و آشنایی با علل پیشرفت و توسعه دیگر جوامع موتور محرک آراء و اندیشه‌های او بوده است.

فی‌المثل آن‌طور که حائری در تشیع و مشروطیت بر می‌شمرد، "وی در استانبول مصادف با دومین مرحله جنبش مشروطه‌خواهی در عثمانی بود".

به علاوه با پیشروان اصلاحات ترکیه مانند کامل پاشا، عالی پاشا و فوآد پاشا تماس داشت. در نوشته‌های ملکم که به گفته خودش در حدود ۲۰۰ رساله است، دست آوردهای تجربه‌های گوناگون او به خوبی نمایان است.

اگرچه بسیاری از منتقدان ملکم به دلیل مسئولیت‌های کلیدی و همکاری طولانی با دربار قاجار و برخی اتهامات مالی در ماجرای لاتاری و رویتر ملکم را از نظر شخصیت فردی ضعیف النفس و غیرقابل اعتماد بر می‌شمردند، و صفتهایی چون "شارلاتان" و "فرصت طلب" و یا "کاسب‌کار سیاسی" نثار او کرده‌اند، اما ملکم و قانون با هر نیتی که منتشر شده باشد، در تحول فکری جامعه ایرانی و رواج اندیشه قانون‌خواهی نقش بزرگی

داشته است.

نوشته‌های ملکم در قانون به صورت قاچاق و دست به دست به ایران وارد می‌شد. این نوشته‌هایش زمینه‌های اصلی بروز تحول فکری و مشروطیت در ایران بوده است. به همین دلیل است که حکومت ورود "قانون" به داخل مرزهای ایران را ممنوع کرد. حاج سیاح که سرانجام بدست عمال قاجار به قتل رسید در دست نوشته‌های خویش با صراحت از حساسیت بازجویان درباره روزنامه قانون سخن رانده است. "کاغذ و قلمدان گرفته و نوشتم، من که سیاح محلاتی هستم و اما قانون. همه مردم ایران قانون می‌خواهند. - نویسنده آن کاغذها که من دیدم حرف بی‌قاعده ننوشته و لکن من چکاره هستم که نام نویسنده را بدانم".

از او خواسته بودند از روزنامه قانون بنویسد و او خود را به تجاها زده بود که: "مگر شما قانون را بد می‌دانید؟ الان در دنیا کسی نیست قانون نخواهد، حتی وحشیان آفریقا و آمریکا" البته واضح است که این رند بازی‌ها از چشم مأموران پنهان نمی‌ماند. اما سیاح آشکار می‌سازد که امین‌الدوله وزیر خارجه وقت نیز در خفا علاقه‌مند بود تا قانون بدست نخبگان و سیاستمداران ایرانی برسد به گونه‌ای که سیاح می‌نویسد: "روزنامه قانون مشتاق فراوان داشت و دست به دست می‌گشت و به توصیه امین‌الدوله در مورد نامه‌هایی که از خارج به من می‌رسید زیاد سخت‌گیری نمی‌کردند و فوراً می‌رساندند.

لذا چند نسخه از روزنامه قانون هم از اروپا در جوف روزنامه‌جات خارجی برای من می‌رسید که آن‌ها را به توسط اشخاص مطمئن منتشر می‌کردم".

همین روابط اندرونی در دربار بود که اجازه می‌داد قانون حتی در داخل دربار نیز دست به دست گردد و موجبات کدورت شاه را فراهم آورد.

بگونه‌ای که اعتمادالسلطنه بخشی از دغدغه‌ها و نگرانی‌هایش را متوجه این مقوله می‌کند. در یکی از این دل مشغولی‌های اعتمادالسلطنه آمده است: "دیشب تا صبح نخوابیدم، صبح زود بیرون آمدم. افواهاً تفصیل این مقدمه را شنیدم که چندی قبل نوشتجات تهدیدآمیزی از ولایات برای شاه آورده و بعضی کاغذها هم در عمارت سلطنتی خود شاه پیدا کردند که شکوه از وضع دولت و تهدید به شاه بوده است.

امین‌السلطان به واسطهٔ عداوت کاملی که با میرزا ملکم خان و مردهای او دارد به شاه

عرض می‌کند، این کار دوستان مکلم است.“

یا در جایی دیگر خاطر نشان می‌شود که: “چهار نمره روزنامه قانون ملکم خان را حسام‌السلطنه از عربستان گرفته بود و فرستاده بود و نزد دبیر الملک بود. از نمره ۲۱ بود تا ۲۵. من این روزنامه را تا نمره ۷ دیده بودم. بعد دیگر ندیده بودم و تصور می‌کردم که بایستی تا نمره ده دوازدهم بیشتر به طبع نرسیده باشد.“

جالب آن است همان‌طور که اعتمادالسلطنه گزارش می‌کند، تمام نسخ منتشره و ارسال شده قانون به ایران را دیده است. بدیهی است غیر از اعتمادالسلطنه دیگر رجال ایران نیز قانون را پیگیری و علی‌رغم ممنوعیت سیاسی مطالعه می‌کردند.

او سپس اعتراف می‌کند که چگونه ساعتی این جراید را از دبیر الملک امانت گرفته، به خانه برده و با ولع خوانده است، جالب‌تر این‌که در باب محتوا و کیفیت و میزان دخالت ملکم نیز اظهار نظر کارشناسی می‌کند: “نمره‌های اول فحش و بی‌احترامی و نامربوط بود. اما این‌که حالا نوشته می‌شود الفاظ متهجنه ندارد، و فارسی بسیار خوب سلیس است. خیالاتش اگر از ملکم خان باشد انشایش از آن نیست، ملکم خان قابل این‌طور چیز نوشتن در فارسی نیست. سال‌ها معلم من بود و مدت‌های مدید آشنا و دوست من، پایه سواد و فهم او را می‌دانم. بلکه می‌توانم بگویم که خیالات هم از او نیست!“

شاید بخش آخر سخنان اعتمادالسلطنه را بتوان از دو منظر ارزیابی کرد. از یک سو بخواهیم این‌گونه باور نماییم که غیر از ملکم کسی به فکر ایجاد یک جریان فکری برای تأمین اهداف سیاسی در آینده بوده و یا این‌که تأثیر و ماندگاری آثار ملکم حسادت یک دوست قدیمی را تحریک کرده است. هر چه هست، آراء و نظرات او با تعقیب و تنبیه حکومت روبرو می‌شده است. به‌گونه‌ای که تعداد فراوانی از نویسندگان و حتی رجال سیاسی قاجار در معرض اتهام و حتی دستگیری قرار گرفتند. وزیر مختار فرانسه در گزارشی که در این باب منتشر ساخته اعلام داشت که میرزا نصراله‌خان منشی سفارت اطروش جزء دستگیر شدگان درباره تکثیر دوباره روزنامه قانون در حیاط منزلش بوده است.

و یا آدمیت اظهار می‌دارد که: “میرزا محمدحسین خان فروغی ذکاءالملک رئیس دارالترجمه، در مظان همکاری قلمی با روزنامه “قانون“ واقع شد و مترجم بوسه عدرا نیز

به اتهام ارتباط با همفکران ملکم خان و دخالت در نشر پاره‌ای اوراق سیاسی، دستگیر شد. ظاهراً در اثنای همین دستگیری‌ها بوده است که این بخش از نوشته‌های ملکم به دست عمال حکومت افتاده و دست به دست شده است: "از دیرباز تاریخ ایران عجیب شده در استبداد و خودرایی یک فرد واحد. ابن ایثر در "الکامل فی التاریخ" حکایتی را از زمان محمود غزنوی بیان می‌دارد: که تأمل و تعمق در آن مؤید نظر ماست، وی می‌نویسد: "سلطان محمود شنید که در نیشابور شخصی توانگر زندگی می‌کند، سپس او را به غزنه احضار کرد و بدو گفت که ما شنیده‌ایم که تو قرمطی هستی؟ آن مرد جواب داد من قرمطی نیستم. آنچه دارایی دارم از من بگیرید و مرا از این تهمت معاف دارید. محمود مالی از او گرفت و نامه‌ای در درستی اعتقاد او نوشت و بر آن صحه گذاشت."

در عهد ناصری نیز خودکامگی و عدم وجود قانون و تأکید بر قانون‌گرایی، ترجیح بند سخنان روشنفکران این دوره بوده است. به عنوان نمونه میرزا ملکم خان عنوان می‌دارد که: "در ایران بدون هیچ علمی می‌توان حتی وزیر شد قیمت سرتیپی پانصد تومان است و در پانزده سالگی می‌توان سردار شد من اگر هفت زبان هم می‌دانستم باز بایستی نوکر یک احمق بی‌سواد باشم."

واضح است که سطح فهم و جسارت او در بر ملا کردن حقایق از این دست «تا چه میزان در بیدار کردن خلایق در خواب رفته مؤثر بوده است.

حقیقتی است که روزنامه قانون را هم چون "ورق زر" می‌بردند، و در بسته‌های سیاسی سفارتخانه‌ها رفت و آمد می‌کرد و تا شهرهای قفقاز می‌رفت. از این پس همه قانون می‌خواستند "بسیار بودند کسانی که درست نمی‌دانستند این لفظ چیست و به چه کار می‌آید."

اما همان‌گونه که هما ناطق باور دارد "ملکم خان تقریباً همه طبقات را راضی نگه داشت. حتی حکومت گران بی‌قانون را و همه را به مشروطه خود می‌رساند، با این حال در زیر قلم او و در روزنامه "قانون" لفظ قانون برای نخستین بار به یک شعار سیاسی مبدل شد، فرق روزنامه قانون با رسالات ملکم هم همین است.

اندیشه‌های ملکم و معاصرانش

میرزا ملکم خان را هم می‌توان یک سیاستمدار نامید، هم روزنامه‌نگار و هم یک

متفکر سیاسی. ابعاد سه‌گانه زندگی ملکم به طرفداران هر کدام از سه مشرب یاد شده این فرصت را فراهم می‌آورد که ملکم را با معیارهای خود معرفی و یادآوری نمایند. بی‌شک او یک دیپلمات و سیاستمدار حرفه‌ای بود. بخش اعظم عمر خویش را در این راه، صرف کرد. موجد اقدامات موثر و مأموریت‌های در خوری شد.

به‌عنوان یک ژورنالیست و روزنامه‌نگار منزلتی را صاحب شد که امروز نیز کمتر می‌توان بدیلی برایش یافت و از منظر یک متفکر سیاسی نیز، زمانه و شرایط پیرامونی و همت بلند به او این امکان را داد تا مقوله‌هایی را در تاریخ ایران، مطرح نماید که همگی در مناسبات سیاسی ایران بکر بودند.

آشنایی او با دیگر ملل و تسلط بر چند زبان زنده دنیا در کنار روح ناآرام و جستجوگر از او شخصیتی متمایز ساخت.

می‌توان با بسیاری از اقدامات سیاسی و رفتارهای سوداطلبانه فردی او مخالف بود. اما نمی‌توان تأثیر شگرفی که اندیشه‌هایش بر محیط خود و تاریخ فردای سرزمینش گذاشت انکار کرد.

از زمان ملکم خان تا دنیای معاصر کمتر نوشته و یا اندرزنامه سیاسی در باب حکومت و ساخت سیاسی در ایران نوشته شده که ملهم و یا برگرفته شده از آراء او نباشد.

وی راه‌حل دشواری‌های ایران را پیش از هر چیز در آوردن رژیم می‌دانست که برپایه قانون حکمفرما باشد. باور ما بر آن است که ملکم خان مانند دوستش آخوندزاده آگاه بود که تئوری مشروطه غربی با مبانی اسلام از جنبه‌های گوناگون، به‌ویژه مرتبه‌ای که مذهب در یک نظام مشروطه غربی می‌تواند داشته باشد، تفاوت دارد.

ولی از طرفی او برخلاف آخوندزاده این مطلب را هرگز به شیوه آشکار و عریان بیان نکرد و در نتیجه ناچار شد مطالب خود را گاهی به صورت ضد و نقیض بیان کند. ملکم قانون و آزادی را مستلزم یکدیگر می‌دانست. و همین اعتقاد مهمترین اصل نظام پیشنهادی او و زیربنای تمام افکار اوست.

همان‌گونه که آمد او هیچ‌گاه تندرویهای آخوندزاده را برنتافت. برخلاف شبهاتی که درباره میزان پایبندی و اعتقاد قلبی‌اش به اسلام مطرح شده است، او در موقع مرگ وصیت کرده بود که به شکل مسلمانان وی را دفن نمایند.

اما می‌توان نتیجه گرفت که وی نیز به سبک بسیاری از مسلمانان نوگرا، نگرشی سکولار به مفاهیم دینی داشته است.

اما این تردیدها سبب نمی‌شود که روحانیون و متدینین نیز در استفاده از آراء وی تردید روا دارند.

به‌طور مثال می‌توان به میرزا یوسف خان مستشار الدوله شارژ دافر ایران در پاریس اشاره داشت. او بسیار مذهبی و معتقد بود. هر چند عمیقاً تحت نفوذ آراء ملکم خان قرار داشته وی در مدت سه سال اقامت در پاریس چهار دفعه به عزم سیاحت به لندن رفت و با ملکم خان مجالست و گفتگو داشت. به‌گونه‌ای که ناظم الاسلام کرمانی روایت می‌کند: "انتظام لشکری و آبادی کشوری و ثروت اهالی و کثرت هنر و معارف و آسایش و آزادی عامه آن‌جاها را که دیده برشور و حرارت قلبی و آرزویش نسبت به ایران افزوده گردید سبب ترقیات فرانسه و تنزیلات ایران را از مرحوم ملکم خان پرسیده جوابش چنین داد که بنیان و اصول نظم فرانسه یک کلمه است و هرگونه ترقیات و خوبی‌ها که در این‌جا دیده می‌شود نتیجه همان یک کلمه است و اهل مملکت شما از اصول مطلب دور افتاده‌اند. پرسید چگونه است این؟ جواب داد که همه آن‌ها قید یک کلمه است "قانون". ملکم خان و مستشارالدوله به طرز مشروح دربارهٔ جنبه‌های گوناگون نظام مشروطه و پارلمانی سخن گفتند. آنان برقراری حکومت مشروطه را امری اجتناب‌ناپذیر می‌دانستند ولی به‌خاطر مقتضیات و شرایط زمانی و مکانی، اصول مشروطه دمکراسی را با عناصری از مذهب اسلام آمیختند. این جنبه از نوشته‌های آنان به تعبیر عبدالهادی حائری سبب گمراهی مقام‌های مذهبی در تفسیرشان از مشروطیت گردید.

علی‌رغم مراودات فراوان مستشار الدوله و ملکم خان، به‌نظر می‌رسد میرزا یوسف خان به هیچ‌عنوان ذکاوت و هوشمندی میرزا ملکم خان را نداشت. چه سرنوشتی بسیار غمبار و عبرت‌آموز یافت.

اما این تنها میرزا یوسف خان نبود که تحت تأثیر آموزه‌های ملکم بود، بلکه عناصر سرشناس و ترقی‌خواه دستگاه ناصری از جمله میرزا محسن خان معین‌الملک و امین‌الدوله وزیر امور خارجه و میرزا حسین خان مشیرالدوله که خود ملکم را برکشیده بود، از چنین قاعده‌ای تبعیت می‌کردند.

در این میان می‌توان به تاج السلطنه دختر ناصرالدین شاه نیز اشاره نمود. اندیشه سیاسی و اجتماعی در خاطرات "تاج السلطنه" جلوه خاص دارد. نه تنها در تشریح انتقادی نظام حکومت نوشته باارزشی است در شناخت هشیاری زنی تربیت یافته در اندرون دربار ناصری اثر درخشانی است. توران تاج السلطنه دختر ناصرالدین شاه در ۱۳۰۱ هـ. ق متولد شده و در حرم‌خانه شاهی تربیت یافت. او معلم سرخانه داشت، زبان فرانسوی آموخته، تاریخ و رمان فرنگی خوانده بود. لباس فرنگی پوشیده وزنی آزاد اندیش بود.

او نیز با آثار و آراء ملکم خان آشنا بود و حتی مراوداتی چند با وی داشته و در حلقه باورمندان وی قرار داشت.

در کنار رجال سیاسی و چهره‌های درباری برخی از روحانیون و صاحب مناصبات روحانی نیز با آراء ملکم خان در تعاطی و تلافی بودند.

مثلاً در آن میان می‌توان به شیخ هادی نجم‌آبادی (۱۸۳۴/۱۹۰۲) اشاره کرد. او مجتهدی نسبتاً روشنگر و محترم و نسبت به تهیدستان و بینوایان بسیار فروتن و مددکار بود. بنابر قول حائری: "خانه او همواره به روی مردم باز بود تا بدون هیچ‌گونه چشم‌داشت مادی بدان‌ها کمک کند، هر فردی بدون توجه به مقام و ثروتش به شیوه برابر مورد توجه شیخ هادی بود ... او با جامع آدمیت ملکم خان پیوند داشت."

می‌توان این‌گونه تصور کرد که بسیاری از آراء متجددانه و عدالت خواهانه نجم‌آبادی تحت‌تأثیر جلسات و محفل آدمیت ملکم شکل یافته باشد.

یا این‌که می‌توان اندیشه "اصلاح" در جهت قانون خواهی را موضوعی کلیدی در رساله "منهاج العلی" نوشته ابوطالب بهبهانی دانست.

به گفته نویسنده: "در ۱۲۸۳ از ایران رفته به سیاحت هند و روس و عراق عرب و حجاز و مصر پرداخته". پس از دوازده سالی گشت و گذار در مصر اقامت گزیده بود. از رساله‌اش بر می‌آید که آثاری در تاریخ جدید مغرب که به زبان ترکی و عربی ترجمه شده خوانده است. با برخی نوشته‌های ملکم خان خاصه دفتر تنظیمات آشنایی دارد. بلکه مطالبی را مستقیماً از او نقل کرده است.

فرد دیگری که در این مجال می‌توان به او اشاره داشت، "ملا عبدالرسول کاشانی"

صاحب رساله "الضافیه" است. وی درباره لزوم اخذ دانش و فن جدید، اقتصاد صنعتی و ملی، مبارزه با فقر عمومی و همبستگی و پیشرفت اقتصادی سخن فرسای کرده است. او با آثار و آراء ملک خان، طالبوف تبریزی و سید جمال الدین اسدآبادی آشنایی دارد طرفه آن‌که آنان را می‌ستاید و مطالبی را عیناً از قول ملکم در رساله خود آورده است. سیدحسین موسوی اندیشمند مسلمان دیگری است که در رساله "تشکیلات ملت متمدن" به تأسی از نظرات ملکم به طراحی نظام اداری جدیدی در نفی سلطنت مطلقه می‌پردازد او در نگارش رساله برداشت‌های فراوانی از نظرات و رسالات ملکم خان دارد.

اثر دیگر "رساله مختصر" میرزا علی خان لسان الدوله است که در باب حقوق اجتماعی فرد نگارش شده‌است، نویسنده به طبقه دیوانی تعلق دارد. رساله‌اش اقتباس است از کتاب صراط المستقیم میرزا ملکم خان و همه جا همان اصطلاحات ملکمی را بدون هیچ کم و کاستی به کار می‌برد.

تاریخ قاجاریه و سبب ترقی و تنزل دولت و ملت ایران عنوان و موضوع رساله‌ای است که در سال ۱۳۱۱ شروع به نگارش آن کرده اما نمی‌دانیم به کجا انجامیده است. در تألیف این رساله هدف سیاسی داشته و می‌خواسته است خدمتی به بیداری افکار ملی بکند. چنان‌که قبلاً توضیح داده شد در این کتاب از ملکم یاد کرده است. می‌گوید "در کمال گرفتاری و آرایش و عدم وقت و نداشتن منزل خالی از اغیار مشغول نگارش این دو کتاب شده‌ام. قرار بود هر دو اثر را برای ملکم بفرستد و خواهش نموده است عبارت آن‌ها را ساده و مؤثر سازد". ملکم با روحانیون و رجالی که اصلاح طلب بودند محرمانه تماس‌ها گرفته و آنان را به هدف خود آشنا می‌کرد و جمعی هم با او همراه شدند و مسلک فرماسونری را به ارث در خاندان خود نهادند.

به قول ابراهیم صفایی یکی از روحانیون صاحب نفوذی که به این جمعیت ملحق شد سید صادق طباطبایی است که شخصاً نیز به آزادی افکار عقیده داشت. با توجه به نفوذی که طباطبایی داشت ملکم علاقه‌مند به دیدن ایشان بود و این روحانی امساک می‌کرد. بالاخره روزی که طباطبایی در دربند مهمان سیدعلی دربندی بود ملکم مطلع شد و خود را به آن‌جا رسانیده سرزده ورود نمود و تقاضای ملاقات کرد.

طباطبایی ناچار برای یک ربع ساعت او را پذیرفته با وی به خلوت نشست ولی گفتگوی آن دو شش ساعت طول کشید. سرانجام وقتی که ملکم عزم برخاستن داشت، طباطبایی مکرر او را به توقف و ادامه مذاکره دعوت می نمود. این داستان بیانگر توانایی جذب مخاطب و احاطه او بر تحولات جهانی بود که می توانست بر اطرافیان خود تأثیر لازم را بگذارد.

اما با این همه بین آراء او و بسیاری از روحانیان مشروطه تفاوت های عمیقی وجود داشت. همان گونه که او با برخی از روشنفکران معاصرش نیز تفاوت های آشکار داشت. فریدون آدمیت به تفاوت دیدگاه و نظرات وی با طالبوف اشاراتی می کند، از نظر آدمیت: "ملکم نماینده جامع شرایط فلسفه لیبرالیسم قرن نوزدهم (با تمام کاستی های آن) است و حال آن که میرزا آقا خان سوسیالیست است و از نحله های آنارشیسم و نیسیلیسم نیز سخن می گوید. اما ملکم درباره آن مسلک ها یک کلمه هم حرف نمی زند. گفتار میرزا آقا خان در پاره ای موارد خیلی عمیق تر از ملکم می باشد هر چند دامنه نوشته های ملکم خیلی گسترده تر از اوست."

هر چند ملکم در میان رجال مذهبی و روحانیان مشروطیت نیز از تمایزات آشکاری برخوردار است. مثلاً می توان به اختلاف نظری که ما بین ملکم خان و نایینی وجود داشت اشاره نمود.

نایینی می خواست که با جنبه اسلامی دادن به اصول مشروطه و با اغماض نسبی در برابر دموکراسی از حریم اسلام و تشیع دفاع کند. وی بر اصولی از دموکراسی ارج نهاد زیرا آن اصول را با اسلام هماهنگ یافته بود. ولی برعکس، نویسندگانی مانند ملکم و مستشار الدوله بر آن بودند که نهادهای سیاسی غرب را به ایران بیاورند و پیرامون آنها در میان ایرانیان تبلیغ کنند. زیرا نظام های نو اروپایی را برتر از نظام های سنتی ایران یافته بوده اند ولی چون خواسته باطنی و واقعی شان را نمی توانستند بی پرده بیان کنند و آگاه بودند که ممکن است با مخالفت و مبارزه علما از یک سو و توده های مردم از سوی دیگر رویاروی گردند. بنابراین کوشش فراوان به کار بردند تا به سخنان و استدلال های خویش رنگ مذهبی دهند.

هر چند باید اذعان داشت که اگرچه ملکم اولین و تنها کسی نبود که در دوره ناصری

اعتقاد به عقب‌افتادگی ایران و تفوق علمی و صنعتی و لشگری ملل غرب داشته است، آگاهی از ضعف لشگری و فنی و حتی علمی مسلماً قبل از سلطنت ناصرالدین شاه، خاصه بعد از انعقاد عهدنامه ترکمن‌چای در میان خواص ایرانی نادر نبوده است.

اما به نظر ملکم تفوق غرب فقط از لحاظ لشگری و صنعتی و علمی نیست. ملکم تحت تأثیر تنظیمات عثمانی بوده و از این لحاظ دقت او به مراتب بیشتر از اسلاف اوست. خاصه آن‌که از صنعتی صحبت به میان آورده است که به طور دقیق امکان به وجود آوردن این نظام را نشان می‌دهد. البته ملکم دشمنان و مخالفان سیاسی و فکری فراوانی نیز داشته است. از امین السلطان صدراعظم ناصرالدین شاه که شاید به دلیل شخصیت دوش، بی‌سوادی و بی‌مایگی‌اش بر ملکم رشک برده و دائم به فکر توطئه بر علیه وی بود تا برخی روحانیان و رجال دینی که آراء ملکم و تمسک به آراء غربی‌ش را مخجل حال خویش و مضر به حال جامعه اسلامی می‌دانستند.

شاید در زمان مشروطه مهمترین اعتراضها از سوی همفکران شیخ فضل‌الله نوری متوجه آراء ملکم خان می‌شد. بسیاری حتی دیانت او را نپذیرفته او را یک مسیحی می‌دانستند. ضمن آن‌که در رساله "تذکره الغافل و ارشاد الجاهل" که منتسب به شیخ فضل‌الله نوری است، به بدترین شکل ممکن ملکم را مورد تعرض و فحاشی قرار می‌دهد. یا در نشریه‌ای به نام «دعوه الاسلام» که آرای علمای مخالف مشروطه درج می‌شد. در شماره‌ای از آن میرزا ملکم خان به صورت مرکم خان آمده است. بانی کاشتن تخم فساد مشروطه در ایران معرفی شده است.

ملکم خان و انقلاب مشروطیت ایران

با همه آثار و تأثیرات شگرفی که ملکم خان بر محیط پیرامون خود گذاشت و بدون شک از عوامل غیرقابل پیدایش مشروطیت ایران است، در زمان وقوع این رویداد تاریخی در سرآشپب عمر به سر می‌برد و تنها یکی دو سال پس از انقلاب مشروطه به درود حیات گفت.

با این همه اکثریت رجال سیاسی و یا جریان سیاسی درگیر در انقلاب مشروطه به شکلی متأثر از آراء و اندیشه‌های او بودند.

او علی‌رغم تعارض‌هایی که در باب داوری درخصوص شخصیت فردیش وجود دارد، پیش‌آهنگ اصلاح طبی و ارائه طریق برای بهبود اوضاع کشور ایران بوده و بسیاری



● عزیمت مظفرالدین شاه به مجلس جهت خواندن فرمان مشروطیت

از صنایع و بدایع عصر جدید را به اعتراف مخالفینش او در سفر اول و دوم خویش از اروپا به ایران ارمغان آورده است، شکی نیست و به شهادت کسانی که با او مرتبط بوده‌اند، اقداماتی از جمله فراموشخانه نیز تربیت یک طبقه روشنفکر و لایق انجام خدمات اجتماعی در دستگاه دولت بوده است.

ملکم نشناختن حقوق متقابل مردم و حکومت و مسئولیت‌گریزی افراد جامعه را یکی دیگر از عوامل عقب‌ماندگی ایران می‌داند و به این نکته اشارت می‌دهد که پیدایش نظم در جامعه محصول مشارکت آحاد افراد و مسئولیت‌پذیری تک‌تک اعضای جامعه است. حال آن‌که مردم توقع دارند که چنین نظامی توسط حاکمیت در جامعه اعمال شود. او معتقد بود: "هرگز نباید خود را مستغنی از خدمت دولت خود بدانیم. همه می‌گوییم: به من چه؟ من کیستم که ناظم دولت باشم؟ تا این به من چه در ایران متداول است، پادشاه همیشه در خیالات ترقی تنها خواهد بود."

عقب‌ماندگی جامعه ایران مسئله‌ای است که بخش بزرگی از آثار ملکم صرف تبیین علل و عوامل آن شده است و ملکم براساس شناخت خود از اوضاع اجتماعی و فرهنگی ایران به تناسب راه‌حلهایی را نیز برای برون رفتن از چنین وضعیتی پیشنهاد کرده است. وی در نخستین مرحله بی‌توجهی وزراء و کارگزاران حکومتی را به مسئله عقب‌ماندگی مورد نکوهش قرار می‌دهد و از این‌که درک درستی از وضعیت فلاکت‌بار جامعه در میان آن‌ها وجود ندارد، گله‌مند است.

از نظر وی ریشه معایب حکمرانی ما در بی‌قانونی است و با استقرار حکومت قانون می‌توان همه معضلات و گرفتاری‌های این ملت را برطرف کرد. هم‌چنان که در این مملکت گردش جمیع امور بسته به اراده شخص و اغلب موقوف به میل و اغراض وزراء بوده است در حالی که ترقی و آسایش سایر ملل در استقرار قانون می‌باشد.

در نظر ملکم استقرار قانون فقط به اراده پادشاه میسر نخواهد بود. تا عموم مردم خواهان استقرار قانون نباشند وضع قانون در آن ملک یک واقعه موقتی خواهد بود. یعنی به جای این که یک درخت برومند باشد یک گیاه ریشه خواهد بود.

فراموشخانه

مسئله تشکیل فراموشخانه و انتساب آن به فراماسونری موجب مجادلات فراوانی در

میان طرفداران و منتقدان ملکم شده است. سابقه نامطلوب فراماسونری در قرن اخیر و وابستگی برخی از لژهای آن به دولت‌های صاحب قدرت این مجادله را تشدید کرده است.

اما این ذهنیت نیز وجود دارد که در آغاز فراماسونری و یا شعبه‌های مشابه آن مانند مجمع آدمیت که میرزا یعقوب خان پدر ملکم پایه‌گذاری نمود و حتی ناصرالدین شاه و برخی رجال دستگاه ناصری در آغاز به عضویت آن در آمدند، شاید هدفی بسیار متفاوت با بانیان فراماسونری داشته است.

همان‌گونه که سید جمال‌الدین اسدآبادی که در تعهدش به جامعه اسلامی و آرمان ملل مسلمان و مبارزه وی در راه تضعیف سلطه و غلبه دول قدرتمند اروپایی بر ملل مسلمان بر کسی پوشیده نیست، از همین قاعده بهره‌مند است.

محیط طباطبایی نیز همین نظر را برمی‌تابد و معتقد است که به هیچ عنوان به دنبال تحقق و تأسیس شعبه‌ای از فراماسونری در ایران نبوده و بیشتر قصد ایجاد یک مجموعه منضبط علاقه‌مند به منافع ایرانیان را داشته است. «زیرا در این اقدام خود هم مانند تالیف «کتابچه غیبی» و تنظیم دفاتر دیگر و بحث درباره اصلاح خط و روش تحریر و انتقادی از اوضاع و احوال عصر، منظوروش اصلاح وضع مملکت و دلالت اولیای دولت و ملت به شاهراه ترقی مادی و معنوی و تمسک به ذیل اصول تمدن جدید بوده است. اما نباید از نظر دور داشت که سازمان فراماسونری ایران که ملکم آن را تأسیس کرد، نقش مؤثری در انقلاب مشروطیت ایران داشته و بسیاری از سران مشروطه طلب و از آن جمله سید محمد طباطبایی عضو آن سازمان بوده‌اند و طباطبایی دارای نشان ژنرال فراماسونری بوده است.

علی‌اصغر شمیم نیز با نظر محیط طباطبایی توافق دارد که قصد ملکم خان تشکیل مجموعه‌ای منضبط از اصلاح طلبان آرمان‌خواه برای نجات ایران بوده است نه تشکیل لژ فراماسونری.

هر چند مهدی بامداد به درستی معترف است که تشکیل فراموشخانه موجب بروز حساسیت‌ها و تردیدهای فراوانی درباره ماهیت اقدام او و نیات غایی ملکم خان درباره تحولات ایران است.

مجلس مصلحت خانه

یکی از مهمترین اقداماتی که در دوران ناصری در حدود سال‌های ۱۲۷۶ برپا شد تشکیل مجلس مصلحت خانه است که نوعی مجلس مشورتی و اعمال مشاوره به شاه است. این مجلس ظاهراً یک سال پس از تشکیل «شورای دولت» تحت تأثیر سفر شاه به فرنگ و الهام از دول مرفعی صورت پذیرفته بود. اما شرح تنظیمات و چگونگی سازمان آن توسط میرزا ملکم خان به شاه دیکته شده بود. هر چند حائری معتقد است تحت اقدامات خیرخواهانه میرزا جعفرخان مشیرالدوله، ملکم فرصت این ابراز وجودها را یافته بود. هر چه باشد ملکم فرزند مکتب امثال مشیرالدوله‌ها بود و مشی میرزا حسین‌خان سپهسالار و مشیرالدوله در بالا کشیده شدن امثال ملکم نقش ویژه‌ای داشته است. ملکم خان به سان بسیاری از روشنفکران سده‌های هجدهم و نوزدهم اروپا سخن از جدایی قوا، که در بحث آنان ضامن آزادی انگاشته شده بود، راند و حکومتی را «معتدل» نامید که «اجرای قانون با پادشاه و وضع قانون با ملت» باشد.

ولی چنین می‌نماید که وی می‌کوشیده است واکنش منفی شاه را با سلب اختیاراتی مطلق او برنیا نگیزد و از همین روی، حکومت «معتدل» را در آن هنگام در خور ایران ندانست و نوشت که «اختیار وضع قانون و اختیار اجرای قانون هر دو حق شاهنشاهی است». با این همه قوای مملکتی را این‌گونه از یکدیگر جدا کرد. «اجرای قانون و اداره امور حکومت برعهده مجلس و وزراء است». وضع قوانین برعهده مجلس تنظیمات است. و از این هم مهمتر اعلام کرد که عقاید اهل ایران آزاد خواهد بود.

براساس قوانین این مجلس مصلحت خانه نه تنها اعضای آن دستگاه که حتی مشاوران بیرونی نیز برای ترقی و اصلاح امور مملکت نظرات خود را بیان می‌داشتند.

در همین رابطه ملکم در نامه‌ای که نگارش آن را به سال ۱۲۷۷ نسبت داده‌اند، آورده است: «شما که «مأمور احیای ایران» شده‌اید، کدام یک از معایب دولت را رفع کرده‌اید. در این یک سال مانع ظهور کفایت شما چه بوده است؟ اهل آن مجلس عذر می‌آورند و نقصان جمیع کارها را رجوع به معایب پادشاه می‌نمایند».

«شرح عیوب و علاج نواقص مملکتی ایران» که در این سال‌ها (۱۲۷۵ تا ۱۲۸۲) هـ ق نگارش شده، هم حکومت وقت را به باد حمله می‌گیرد و انتقادهای موجه دارد. هم

خواهان اخذ قوانین اروپایی است.

ملکم از یک سو می‌گفت که زبان سبب وحدت ملی است و علما و مجتهدان بایستی پیرو مقررات وزارت علوم باشند. از آموزش و پرورش عرضی و غیر روحانی پشتیبانی کرد. بدین ترتیب که مدارس را به سه درجه تقسیم کرد. ابتدایی، متوسطه و عالی، جالب آن‌که در هیچ‌یک از آن‌ها مذهب نمی‌بایستی جایی را اشغال کند. چندگونه مدرسه مربوط به هنرها و حرفه‌ها پیشنهاد می‌کند. از جمله مدرسه نظام، مدرسه مذهبی و مدرسه معارف. ولی از سوی دیگر ملکم به کرات مذهب را می‌ستود و علما و مجتهدان را اهمیت و مقامی ویژه در امور کشور می‌داد و آشکارا می‌توان گفت که نظام نو با اسلام منافاتی ندارد و قانون اسلام کامل‌ترین قوانین جهان است.

البته نویسندگانی چون خان ملک ساسانی مولف سیاست‌گزاران دوره قاجار، از آن‌جا که تردید عمیقی نسبت به ایمان ملکم خان به آراء و اندیشه‌های مطروحه‌اش دارد، هیچ ارزشی برای آثار او قائل نیست و او را به عوام فریبی متهم می‌کند. اما تحلیل‌هایی این چنین نمی‌تواند ره به جایی ببرد. زیرا نمی‌توان با تفاسیر این‌گونه به مقابله با نقش تاریخی رجال مؤثر پرداخت.

می‌توان ملکم را نقد کرد اما نمی‌توان منکر شد که او مردی روشنفکر و دقیق بود. رساله‌های او که به عنوان پیشنهاد برای ایجاد سازمانهای کشوری تنظیم شده بهترین دلیل روشنفکری و عمق مطالعات اوست.

او اولین کسی بود که کلمه قانون را در ایران رواج داده. در این امر همه متفق هستند، حتی دشمنانش، ضمن این‌که او پیشنهاد مجلس شورا را ارائه نمود و نیز اولین کسی است که فکر تأسیس بانک ملی را در ایران ارائه نمود. افکار او در بیداری ایرانیان نقش ویژه‌ای ایفا کرد.

مشروطیت

اگرچه ملکم باهوش و دارای معلومات پر دامنه‌ای در رشته‌های گوناگون بود ولی اصول اساسی حکومت مشروطه را به شکل منظمی فرموله نکرد که خوانندگان ایرانی او بتوانند آن را برای خویش به عنوان راهنما و نمونه مورد استفاده قرار دهند. نخست آن‌که براساس تحقیقات به عمل آمده او هیچ‌گاه مستقیماً واژه "مشروطیت" را مورد استفاده

قرار نداد.

گزارشی موجود است که نوشتن مطالبی پیرامون سلطنت مشروطه در سال ۱۸۸۴ - ۱۳۰۳ به ملکم خان نسبت داده‌اند ولی این نوشته تاکنون به دست نیامده است. اما نباید از یاد برد که مسئله دموکراسی سیاسی در سیر تعقل فکر جدید ایرانیان بسیار پدیده و گسترده و حتی مؤثرتر از دیگر نحله‌ها در ایران مطرح شده است. هرچند در آراء ملکم خان شاید به صراحت نامی از "مشروطیت" نیامده، اما تورق آثار، رسالات و روزنامه قانون همگی در جهت مقید کردن قدرت مطلقه سیر داشته است.

پرداختن به موضوعاتی چون بنیادهای مشروطگی، اصول قانون اساسی و حکومت منتظم، حقوق آزادی فرد، فلسفه حقوق طبیعی، اراده ملت به عنوان منشاء حاکمیت دولت، و حکومت قانون مهمترین مبانی نظری سال‌های پیش از مشروطیت است.

فردون آدمیت به این فهرست مسأله تفکیک قوا در حقوق اساسی را می‌افزاید. موضوع تفکیک قوا، همانا مسأله تعدیل قدرت و جلوگیری از خودسری و غلط به کار بستن قدرت سیاسی است. پس شگفت نیست که فرض انفصال قوای قانونگذاری و اجرایی و قضایی تأثیر ژرفی در تعقل سیاسی همه جامعه‌هایی داشته باشد که سنت فرمانروایی بر استبداد بوده است. از پنجاه سال پیش از مشروطیت که ملکم خان رساله تنظیمات را نگاشت. این قضیه عنوان گردید و هم‌چنان مورد تأکید همه صاحب نظران قرار گرفت.

البته نباید این مطلب را از نظر دور داشت که بسیاری از نوشته‌های پیش و پس از مشروطیت در درک و انتقال یک مفهوم با یکدیگر متفاوت و یا حتی معنایی متضاد داشته است. ماشالله آجودانی به برخی از آن‌ها پرداخته است. مثلاً در تفسیر واژه ملت Nation تفاوت‌هایی در تفاسیر مصلحانی چون ملکم و روحانیون عصر مشروطه موجود بوده است.

یا در جایی دیگر آورده که وقتی ملکم خان چند سالی پیش از اعلان مشروطیت از "قانون ملی" و "مکارم سیرت" و "مراسم ملت" و "شریعت" سخن می‌گفت، چنین تعبیراتی در نوشته‌ی او صرفاً در ربط و پیوند با شریعت و آیین آن معنی می‌داد و هیچ ارتباطی با "ملت" و "ملیت" و مفاهیم آن، آن‌گونه که در نوشته‌های روشنفکران

ناسیونالیست یا عرف‌گرایی چون آقاخان و ملکم به کار می‌رفت، نداشت. اگر روحانیون مشروطه خواه در جریان نهضت مشروطیت و پس از آن "قوام ملت" یعنی مجموع رعایا یا پیروان شریعت راه، در شریعت و قوام و استمرار قوانین آن می‌دیدند، سال‌ها پیش‌تر از آنان، آقاخان کرمانی براساس نگرش ناسیونالیستی‌ای که داشت و تحت تأثیر اندیشمندان غربی، تصریح می‌کرد که "مقصود از ملت، امتی است که به یک زبان سخن می‌گویند". هر چند آلودانی در جای‌جای کتاب خویش تلاش دارد نقش ملکم خان را به صورت یک غرب‌زده ریاکار که در گفتن نظراتش مصلحت بر عریانی و حقیقت مطالب رجحان دارد، معرفی کند.

اما نمی‌توان انکار کرد که این حضور مؤثر و آراء تأثیرگذار چه در رسایل و چه در جراید و چه در اندیشه رهبران مشروطه ریشه دوانده بود.

نباید از یاد برد که به دلیل شرایط خاص تاریخی و مذهبی، مفاهیم در ایران کاربردی دوگانه و یا چندگانه یافتند. اغراض مختلفی از کلمات و واژه‌ها استنباط می‌شد، اما این امور از شأن و منزلت آراء و نفوذ امثال ملکم نمی‌کاهد. ضمن آن که نمی‌توان هیچ داوری ارزشی در باب شخصیت و موقعیت و حتی میزان پایبندی دینی او ارائه نمود. در این مقوله اقوال فراوان ذکر شده که مورد نظر این تحقیق نبوده است.

او چه موجد آراء جدید و یا تأسیسات فرنگی از جمله بانک بوده باشد یا نباشد جایگاه خود را دارد. میرهن است جنبش مشروطه خواهی زاده تلاش‌هایی بود که قبل از آن برای انجام نوسازی دستگاه اداری، اجرایی به عمل آمده بود. در نیمه اول سده نوزدهم ضعف فزاینده ایران در برابر قدرت‌های اروپایی عمدتاً ناشی از توسعه نیافتگی تکنولوژیک انگاشته می‌شد و این اندیشه رواج یافت که اروپا از آن رو چنین پیشرفت کرده که حکومت‌های اروپایی سازمان یافته و منظم هستند. این نگره اندیشه غالب ملکم خان و معاصران وی است. بیهوده نبود که امثال ملا عبدالرسول کاشانی بر این باور بود که "ما اهالی ایران به وجود چنین عالمی سرشار تا آخر عالم باید افتخار نماییم".

نه تکذیب بدخواهان و نه تمجید هواخواهان از نقش تاریخی آراء و اندیشه‌های ملکم به‌ویژه روزنامه قانون او در انقلاب مشروطیت ایران نخواهد کاست. هر چند برای داوری اخلاقی و رفتار فردی مثل او همواره می‌توان به حضراء نشست. ■

منابع:

- ۱- آبادیان حسین، مبانی نظری حکومت مشروطه و مشروعه، نشر نی، تهران، چاپ اول ۱۳۷۴.
- ۲- آجودانی ماشاءالله، مشروطه ایرانی، نشر اختران، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۳.
- ۳- آدمیت فریدون، ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، انتشارات پیام، چاپ اول، بی تا.
- ۴- آدمیت فریدون، اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی، انتشارات پیام، تهران، ۱۳۵۷.
- ۵- آدمیت فریدون و ناطق هما، افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۵۶.
- ۶- اعتماد السلطنه، روزنامه خاطرات، ایرج افشار، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۶.
- ۷- بامداد مهدی، شرح حال رجال ایران (قرون ۱۲-۱۴ هـ. ق) کتاب‌فروشی زوار تهران، چاپ دوم، ۱۳۵۷.
- ۸- پایدار آیدین، میرزا ملکم خان ناظم الدوله و مسئله قانون، مدنیت، بولتن داخلی انجمن علمی - فرهنگی.
- ۹- حائری عبدالهادی، تشیع و مشروطیت در ایران، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۴.
- ۱۰- حائری عبدالهادی، آزادی‌های سیاسی و اجتماعی از دیدگاه اندیشه‌گران، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- ۱۱- زرگری نژاد غلامحسین، رسائل مشروطیت (۱۸ لایحه و رساله درباره مشروطیت). انتشارات کویر، تهران، ۱۳۷۴.
- ۱۲- سیاح حاجی، خاطرات حاج سیاح یا دوران خوف و وحشت، به کوشش حمید سیاح، تهران، ابن سینا، ۱۳۴۶.
- ۱۳- ساسانی خان ملک، سیاست‌گزاران دوره قاجار، انتشارات بابک، بی جا، بی تا.
- ۱۴- شمیم علی‌اصغر، ایران در دوره سلطنت قاجار، نشر افکار، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۷۴.
- ۱۵- صفایی ابراهیم، رهبران مشروطه، انتشارات جاویدان علمی، بی تا، بی جا.
- ۱۶- طباطبایی محیط، مجموعه آثار میرزا ملکم خان، انتشارات علمی، تهران، بی تا.
- ۱۷- غفوریان محسن، میرزا ملکم خان و دغدغه توسعه، شرق، ۸۴/۱۱/۱۰.
- ۱۸- قانون، میرزا ملکم خان، به کوشش و با مقدمه هما ناطق، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۵.
- ۱۹- کرمانی ناظم‌الاسلام، تاریخ بیداری ایرانیان، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۱.
- ۲۰- مجتهدی کریم، اصلاحات به قرائت میرزا ملکم خان، جام جم آنلاین، ۸۲/۶/۱۳.